

خدیجه (س) و الگوی کنشگری زنانه در قرآن تأملی انتقادی بر خوانش رحمت الله و ابابنه

چکیده

خدیجه (س) به عنوان اولین ایمان آورنده به پیامبر (ص) یافته است. از جمله آثاری که شخصیت و عاملیت خدیجه (س) را مورد بررسی قرار داده، مقاله ای است با عنوان: «بازخوانی ازدواج خدیجه (س) و محمد (ص) به عنوان الگویی اسلامی» که توسط شاداب رحمت الله و سارا ابابنه (اساتید دانشگاه ادینبرو) نگاشته شده و در مجله «مطالعات فمینیستی در دین» (اکتبر ۲۰۲۱) منتشر شده است. نگارندگان در این مقاله، شخصیت خدیجه (س) را از منظر متفاوت و با رویکردی چند وجهی مورد بازکاوی قرار داده اند تا از این رهگذر، الگویی برای زیست زنان مسلمان در دوره مدرن ارائه نمایند. از آنجایی که هر الگویی ابتدا باید به قرآن عرضه شود تا تجویز آن برای عموم تضمین شود، پژوهش حاضر نیز با رویکردی میان رشته ای (جامعه شناختی) و روش توصیفی - تحلیلی وجوه کنشگری خدیجه (س) در آرای نگارندگان را با الگوی کنشگری زنانه در قرآن مقایسه و تحلیل نموده است. یافته های این پژوهش از وجود رویکردهای مثبت و همسو با الگوی قرآنی کنشگری زنان در حوزه های مختلف خانواده، فرهنگ و جامعه، اعتقادات، اقتصاد و سیاست برای خدیجه (س) در مقاله مذکور حکایت می کند. در مقابل، برخی رویکردهای منفی نیز در آرای ایشان مبتنی بر پیش فرض های فمینیستی در راستای نگرش مادر سالارانه به روابط خدیجه (س) و پیامبر (ص) ارائه شده است که با الگوی کنشگری زنانه در قرآن همسو نمی نماید.

کلمات کلیدی: قرآن، الگو، کنشگری، زنان، خدیجه (س)، رحمت الله، ابابنه.

۱- بیان مسأله

همراه با تحول جوامع از سنتی به مدرن و نیز پیدایش جنبش های فمینیستی، رویکرد جدیدی از سوی پژوهشگران و جامعه شناسان به شخصیت و کنشگری خدیجه (س) همسر گرامی پیامبر اسلام (ص) مشاهده می شود. این رویکرد در صدد بازسازی شخصیت و کنش های خدیجه در ارتباط با همسر و جامعه با رویکردهای برابری طلبانه متجدد است. از جمله پژوهشگرانی که از این منظر، به ارائه کنشگری خدیجه (س) پرداخته اند: دکتر شاداب رحمت الله^۱ استاد ارشد مطالعات اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه ادینبرو و همسر او دکتر سارا ابابنه^۲، مدرس روابط بین الملل در دانشکده مطالعات جامعه شناسی، سیاست و روابط بین الملل همان دانشگاه هستند. رحمت الله دارای مدرک دکتری در اندیشه اسلامی معاصر از دانشگاه اکسفورد بوده و زمینه های پژوهشی او شامل جنسیت، الهیات رهایی بخش، مطالعات میان دینی و... است. او در سال ۲۰۲۲ موفق به کسب جایزه دانشگاه ادینبرو شده است. ابابنه نیز دکترای سیاست و روابط بین الملل از دانشگاه آکسفورد دارد و در زمینه های جنسیت، طبقه های اجتماعی، خانواده و سیاست های ضد استعماری پژوهش نموده است. او آثاری در زمینه سکوت های فمینیستی غربی در برابر نسل کشی فلسطین عرضه نموده است؛ هر چند او و همسرش خود را فمینیست مسلمان می دانند لکن زمینه اصلی پژوهش های او نقد فمینیسم غربی و تأکید بر توانمندسازی بومی مسلمانان است. ابابنه در یکی از آثارش به طور متمرکز به مبانی و پیش فرض های خود پرداخته است. وی برای تبیین کنشگری زنان از یک سو چارچوب های انتقادی و فمینیستی را به کار می گیرد تا نشان دهد چگونه دانش و قدرت، بازنمایی های مردسالارانه و سکوت های تاریخی زنان را بازتولید کرده اند و از سوی دیگر بر اصل اعتبار تجربه های زیسته و دانش متجسد زنان به عنوان منبع مهم معرفتی تأکید دارد. در این راستا، احساسات و بدن نیز به مثابه عرصه های تولید معنا اهمیت می یابند. توجه به سکوت ها و شنیدن صداهای سرکوب شده یا به حاشیه رانده نیز بخش جدایی ناپذیر این بنیانهاست که در پیوند با نژاد، طبقه و ملیت فهم می شوند. رحمت الله نیز در آثارش تلاش می کند زنان را از جایگاه مخاطب منفعل به تولید کننده دانش و کنشگری مؤثر در اجتماع ارتقا دهد (Ababneh, ۲۰۲۵, ۹۲-۹۸). ابابنه در مقاله دیگری چنین استدلال می کند که کنشگری سیاسی زنان می تواند به ابزاری برای توانمندسازی زنان تبدیل شود. او تأکید می کند که مشارکت سیاسی زنان تنها محدود به عرصه فعالیت های حزبی نیست، بلکه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی شان را نیز متحول می سازد. عامل کلیدی این تغییر،

^۱ Shadaab Rahemtulla

^۲ Sara Ababneh

دست‌یابی به دانش اسلامی است که زنان در بستر فعالیت سیاسی کسب می‌کنند و همین دانش به آنان امکان می‌دهد در سطح فردی اعتماد به نفس و هویت جدید بیابند، در خانواده جایگاه و نقش مؤثرتری ایفا کنند و در عرصه اجتماعی حضوری فعال‌تر داشته باشند. بر این اساس دانش عمیق اسلامی را به‌عنوان محور اصلی فرآیند توانمندسازی زنان مسلمان معرفی می‌کند. رحمت‌الله نیز در کتابی با عنوان «از دریچه عدالت: مطالعه تطبیقی قرائت‌های آزادی‌خواهانه و زنانه از قرآن» تاکید می‌کند که خوانش‌های آزادی‌خواهانه و زنانه قرآن، ظهور تفسیر موضوعی در اندیشه اسلامی معاصر را تسریع بخشیده و درک نوینی از فرآیند هرمنوتیکی فهم قرآن ارائه می‌دهند. این رویکردها با تعامل مستقیم و بی‌واسطه با متن قرآن، گسستی تاریخی از روش‌های سنتی ایجاد می‌کنند. این خوانش مستلزم بررسی جامع و کل‌نگرانه کل قرآن برای درک موضوعات مشخصی همچون جنسیت است. (Rahemtulla, 2013, p:20-35).

این زوج پژوهشگر اخیراً مقاله‌ای با عنوان: «بازخوانی ازدواج خدیجه (س) و محمد (ص) به عنوان الگویی اسلامی»^۳ در مجله «مطالعات فمینیستی در دین»^۴ (اکتبر ۲۰۲۱) منتشر نموده‌اند. ایشان در این مقاله تلاش نمودند با الگوسازی از شخصیت و کنش‌های خدیجه (س)، الگویی متناسب با جوامع مدرن برای زنان مسلمان ارائه نمایند و تاریخ زندگی خدیجه (س) را با رویکردی متفاوت بازسازی نمایند. این الگوسازی با روش تاریخی تبیین شده است. نکته شایان توجه آن که جایگاه روش‌های تاریخی در مطالعات جنسیت، بسیار حائز اهمیت است و مسیری تحولی را پیموده است. در منابع مرتبط با مسئله جنسیت و مطالعات زنان در مرحله نخست، تمرکز اصلی بر تاریخ زنان بوده است؛ پژوهشگرانی مانند لرنر با اتکا بر آرشیو و اسناد تاریخی کوشیدند حضور و تجربه زنان را در تاریخ بازاریابی کنند و بدین وسیله شکاف‌های ناشی از روایت‌های مردمحور را پر نمایند. این مرحله بیشتر متکی بر روش‌های کلاسیک تاریخ‌نگاری مانند توثیق، تحلیل اسناد و بازسازی روایت‌ها بوده است. در مرحله دوم، با شکل‌گیری تاریخ اجتماعی فمینیستی، توجه پژوهشگران به ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی جلب شد. آثاری همچون دیویداف به این موضوع پرداختند که چگونه روابط جنسیتی در بستر نهادهایی چون خانواده و اجتماع شکل می‌گیرند. در این رویکرد، روش‌های تاریخی نه فقط ابزاری برای بازسازی گذشته، بلکه وسیله‌ای برای تحلیل فرایندهای تولید نابرابری‌های جنسیتی تلقی شده بودند (Hall, Leonore, ۱۹۸۷, p: ۱۷۸۰-۱۸۵۰). تحول اساسی

^۳ "Reclaiming Khadija's and Muhammad's marriage as an Islamic paradigm: Toward a new history of the Muslim present"

^۴ Journal of Feminist Studies in Religion

در مرحله سوم رخ داد؛ جایی که جنسیت به عنوان یک مقوله تحلیلی مطرح شد. اسکات در آثار خود چنین استدلال کرده است که جنسیت صرفاً موضوعی برای تاریخ‌نگاری نیست، بلکه چارچوبی مفهومی برای فهم روابط قدرت و تولید معناست. او با الهام از نظریات تحلیل گفتمان، پیشنهاد کرده که مورخان باید به تحلیل زبان، گفتمان‌ها و سازوکارهای معرفتی بپردازند و نشان دهند چگونه مفاهیم جنسیتی در طول تاریخ ساخته و بازتولید شده‌اند. (Joan Wallach, ۱۹۸۶, p:1053-1075). به نظر می‌آید ابابنه و رحمت الله نیز با اتخاذ رویکرد تاریخی به واکاوی جنبه‌های مهمی از روایت خدیجه در نگاه اسلامی پرداخته‌اند و بر ضرورت ترکیب روش‌های تاریخی کلاسیک و تحلیل‌های گفتمانی تأکید دارند و از یک‌سو، به گردآوری و تحلیل دقیق شواهد تاریخی پرداخته‌اند و از سوی دیگر، این داده‌ها را در چارچوب مفاهیم قدرت، دانش و گفتمان تحلیل کرده‌اند. البته تمرکز افراطی بر نسبی‌گرایی پست‌مدرن، ضرورت عرضه این دیدگاه بر قرآن کریم را دو چندان ساخته است. ایشان بر این باورند که در جریان تاریخ‌نویسی لحظات و روایت‌های تاریخی مشخصی خاموش مانده و نامرئی (محو) می‌شوند. ایشان سپس به عنوان نمونه به تاریخ جوامع مادر سالار اشاره می‌کنند که از روایات تاریخی جهان مردسالار کنار گذاشته شده‌اند. نگارندگان سپس این گونه استدلال می‌کنند که سکوت در مورد برخی از واقعیت‌های اجتماعی معاصر به طور مستقیم با سکوت در داستان‌های تاریخی اسلامی مرتبط است. به عبارت دیگر، تأکید بر برخی از روش‌های ازدواج پیامبری باعث می‌شود روش‌های فعلی به نظر غیراسلامی بیایند. لذا با کشف مثال خدیجه (س) و رابطه او با پیامبر، در صدد بازیابی رابطه‌ای هستند که در هنگام ساخت روایات هنجاری و تاریخ ازدواج اسلامی به طرز چشمگیری غایب بوده با عنایت به دغدغه نویسندگان مقاله مبنی بر الگوسازی از شخصیت خدیجه (س) و بازیابی تاریخی کنشگری او با رویکرد مدرن، ضرورت دارد رویکرد نگارندگان در بازنمایی شخصیت خدیجه (س) با الگوی کنشگری زنانه در قرآن تطبیق و تحلیل شود.

بر این اساس پژوهش حاضر با تکیه بر مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای (قرآن و جامعه‌شناسی) به بررسی کنشگری (سوژگی) زنان در قرآن پرداخته و با روشی توصیفی-تحلیلی وجوه مختلف کنشگری خدیجه (س) را استخراج نموده است. سپس با رویکرد تطبیقی میان الگوی قرآنی و کنشگری خدیجه (س) در آرای رحمت الله و ابابنه به تحلیل انتقادی رویکردهای مثبت و منفی ایشان پرداخته است. رهیافت فوق‌کوششی است در پاسخگویی به این پرسش کلیدی که:

«نسبت میان رویکردهای رحمت الله و ابابنه در بازنمایی شخصیت خدیجه(س) و الگوی کنشگری زنانه در قرآن چیست؟»

۲- پیشینه پژوهش

آثار گوناگونی تا کنون درباره شخصیت و زندگی خدیجه(س) منتشر شده اند که عموماً به شرح زندگی و عملکرد او پرداخته اند. به عنوان نمونه می توان به رساله دکتری با عنوان: «نقش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حضرت خدیجه(س) در گسترش اسلام» (۱۳۹۹) نوشته اسماعیل سخا اشاره کرد که رویکردی نسبتاً جامع به شخصیت و عملکرد خدیجه(س) دارد. آثار دیگری نیز با رویکردهای کلامی یا تاریخی درباره خدیجه(س) نگاشته شده اند که تنها وجهی خاص (همچون) ازدواج از شخصیت یا زندگی او را بررسی یا تحلیل نموده اند، مانند: «نقش مجادلات کلامی معاصر در بازنمایی سیمای حضرت خدیجه(س)» نوشته سلطانی احمدی (۱۴۰۱)؛ «سنجش گزارش های تاریخ طبری از چگونگی ازدواج خدیجه(س) و پیامبر(ص) بر اساس روش نظریه بنیاد» به قلم هدیه تقوی (۱۴۰۱). در مقاله ای با عنوان: «بررسی و نقد آرای مستشرقان درباره زندگانی حضرت خدیجه(س)» (۱۳۹۶) نوشته آرمان فروهی و همکاران است، ضمن مرور رویکردهای برخی مستشرقان درباره ازدواج خدیجه(س) با پیامبر(ص) به تحلیل انتقادی نحوه مواجهه خدیجه(س) با بعثت آن حضرت از منظر مستشرقان نیز پرداخته است. پیشینه آثار منتشر شده گویای آن است که تاکنون ابعاد کنشگری حضرت خدیجه(س) با رویکرد مدرن مورد واکاوی قرار نگرفته است. از این حیث، اثر رحمت الله و ابابنه و نیز پژوهش حاضر که به بررسی آن با رویکرد میان رشته ای (جامعه شناختی) و تطبیق با الگوهای قرآنی پرداخته، نوآورانه بوده و پیشینه ای ندارد.

۳- کنشگری خدیجه(س) در آرای رحمت الله و ابابنه

کنشگری، عاملیت یا سوژگی یکی از مفاهیم اصلی مطالعات بین رشته ای به ویژه در حوزه فلسفه، جامعه شناسی و روانشناسی است (کریمی، ۱۳۹۸ش، ص ۸). سوژگی به درجه ای از تفکر و خودآگاهی درباره هویت اشاره دارد و همزمان الزام هایی نیز بر نحوه فهم ما از هویت تحمیل می کند. سوژگی همان رگه نقادانه ای است که ما را سوق می دهد پرسیم منشأ هویت چیست و تا چه اندازه ما بر آن تأثیر و کنترل داریم (هال، ۱۳۹۶ش، ص ۱۹). از منظر نظریه گفتمان، سوژه ها به منزله موقعیت های سوژه درون یک سازمان گفتمانی محسوب می شوند. گفتمان ها همواره موقعیت هایی برای افراد ایجاد می کند تا آن ها را به منزله سوژه اشغال کنند (یورگنسن، ۱۳۹۳ش، ص ۷۹).

بر این اساس، وجوه گوناگونی از کنشگری برای خدیجه(س) را می توان در آرای رحمت الله و ابابنه یافت که در این بخش از پژوهش، استخراج و تفکیک شده است.

۳-۱- کنشگری در امور خانوادگی

ویژگی های خاص ازدواج خدیجه(س) با پیامبر(ص) مانند پیشنهادی که از سوی خدیجه(س) مطرح می شود و مورد قبول واقع شدن آن از سوی پیامبر(ص) را بایست کنشگری خدیجه در امر ازدواج دانست. نویسندگان به روایت ابن سعد اشاره کردند که در آن خدیجه خودش شخصا نزد محمد نمی رود، بلکه دوست صمیمی اش نفیسه را می فرستد تا از طرف او خواستگاری کند (Ibn Sa'd, ۱۹۹۵, p 10). علاوه بر این، پس از پیشنهاد اولیه خدیجه، عموهای پیامبر نزد پدر خدیجه (یا شاید عموی او) رفتند و خدیجه را خواستگاری کردند (Ibn Ishāq, 1967, p:83). در آرای رحمت الله و ابابنه، شخصیت خدیجه(س) در زندگی خانوادگی با پیامبر(ص) به قدری ممتاز توصیف شده که از او به «همسر مورد علاقه» آن حضرت تعبیر کرده اند. از منظر نویسندگان در ماجرای وحی به حضرت محمد(ص) نیز این خدیجه است که به آن حضرت آرامش می دهد: «ای پسرعمویم، شاد باش و خوش دل، به خدا قسم که او یک فرشته است و نه شیطان» (Ibn Ishāq, 1967, p:107). سپس به عشق ورزی میان ایشان اشاره می کنند: «این تبادل محبت و صمیمیتی که بین او و محمد وجود داشت را نشان می دهد که نه تنها از طریق کلمات بلکه از طریق تماس فیزیکی و نزدیکی بدن هایشان بیان شده است.» نگارندگان همچنین خدیجه(س) را شریک زناشویی قدرتمندتر دانسته اند: «خدیجه به طور قطع، شریک قدرتمندتر در این رابطه عمودی بود و محمد از بسیاری جهات به او وابسته بود.» ایشان سپس مدعی نیاز مالی که به طور مکرر در زندگی آن حضرت وجود داشت، به دلیل یتیم بودن ایشان شده اند و فقر را دلیل این وابستگی دانسته اند. نکته دیگری که از منظر نویسندگان کنشگری خدیجه را در روابط خانوادگی نمایان می سازد، مادر مکان بودن ازدواج خدیجه(س) با آن حضرت است به این معنا که محمد(ص) به خانه خدیجه نقل مکان کرد نه بالعکس (Lings, 1983, p:37). ایشان سپس بر این امر تاکید ورزیدند که مسأله مادر مکان بودن ازدواج در تقابل شدید با شیوه های معاصر در جوامع مسلمان (یا در این مورد، در جوامع غیر مسلمان) که در آن ها ازدواج پدر مکانی به یک هنجار مسلط بی چون و چرا تبدیل شده است، قرار می گیرد. در واقع زندگی در خانه ای که توسط شوهر فراهم شده و متعلق به اوست، اغلب بنای اولیه اطاعت زن از شوهر در قوانین خانواده بسیاری از کشورهای دارای اکثریت مسلمان محسوب می شود. مادر بودن کنشگری دیگر خدیجه(س) است که برای هیچ یک از همسران پیامبر(ص) جز

خدیجه(س) محقق نشد: «از بین تمام ازدواج های محمد، خدیجه تنها همسری بود که فرزندان را به دنیا آورد که زنده ماندند» (P:296, 1983,Lings).

جدول ۱- کنشگری خانوادگی خدیجه(س) از منظر رحمت الله و ابابنه

پیشنهاد ازدواج به پیامبر و مورد قبول واقع شدن این پیشنهاد از سوی آن حضرت
همسر مورد علاقه پیامبر(ص) در میان سایر همسران آن حضرت
شریک قدرتمندتر در روابط زناشویی و عدم وابستگی به همسر
پایه اقتصادی خانواده(اشاره به مادر مکان بودن ازدواج و ثروتی که حمایتگر همسر بود)
اعطای حس امنیت به همسر و جلوگیری از آسیب هایی که آن حضرت را تهدید می کرد
توانایی فرزندان(تنها همسر پیامبر(ص) که فرزندان زنده ماندند)
عشق ورزی و آرامش بخشی(تبادل محبت و صمیمیت و آرامش در ماجرای اولین وحی به پیامبر(ص))

۳- ۱- ۱- بررسی قرآنی

جنس زن در قالب همسر، مادر و دختر در قرآن و در حیطه خانواده کنش های متنوعی ایفا نموده یا از سوی خداوند دعوت به عاملیت در جایگاه های مذکور شده است. در بیان قرآن، کنشگری زنان با عشق ورزی و آرامش بخشی به همسر: «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»^۵ (اعراف/۱۸۹) و در راستای برقراری مودت و رحمت میان زوجین: «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱) تجلی می یابد. این عاملیت مودت بخش و رحمانی باید میان زوجین به طور متقابل برقرار باشد و با هم آرام گیرند که در تفاسیر قرآن نیز به آن اشاره شده است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳: ۴۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۷۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۱۶۶؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۸۱۳؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۲۵۰). خداوند کنشگری مادران را نیز با اشاره به فرآیند حمل و شیردادن و تحمل رنج های متنوع: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ» (لقمان/۱۴) مورد توجه قرار داده است. مادرانگی ماجرای مادر موسی(ع) با تمرکز کنش های داستان بر شخصیت مادر ظهور یافته است: «وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ» (قصص/۷) است. وحی به این مادر حتی اگر در زمره الهام نیز قرار گیرد، آن گونه که برخی مفسران به آن اشاره کرده اند(طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۱۰؛ یحیی بن سلام، ۱۴۲۵، ج ۲: ۵۷۹؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۹۹؛ ابن عطیه آندلسی،

۵ و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.

۱۴۲۲، ج ۴: ۲۷۶). خطاب مستقیم خداوند به جنس زن برای کنشگری بوده و بسیار حائز اهمیت است. تسلط مادر به بدن خویش و کنترل احساسات و عواطف در اجرای محتوای وحی نیز وجه دیگری از کنشگری زنانه در قرآن است. خداوند در قالب داستان دختران شعیب (ع) شخصیتی مستقل در محیط خانواده ازدختران به نمایش گذاشته است؛ آن هنگام که دختران، موسی (ع) را نزد پدر آورده و ضمن درخواست اجرت برای او، پیشنهاد استخدام او از جانب یکی از ایشان مطرح می شود و از سوی پدر مورد پذیرش قرار می گیرد: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ...» (قصص/۲۶) اعتماد پدر به سوژگی دختران درون خانواده می تواند نتیجه تربیت شایسته فرزندان توسط پدری باشد که پیامبری الهی است.

جدول ۲- کنشگری زنان در خانواده

عشق ورزی و آرامش بخشی به همسر
برقراری مودت و رحمت میان زوجین (متقابل)
فرآیند حمل و شیر دادن فرزند
تحمل رنج های فراوان در فرآیند مادر شدن (رنج های متنوع یا رنج روی رنج)
تسلط بر بدن و افکار و احساسات در امر مادری (مادر موسی (ع))
مشورت دادن دختران (جنس مونث) به پدر
استقلال شخصیت دختران و بها دادن به اقدامات منطقی ایشان

رویکردهای مثبت نویسندگان در اشاره به جایگاه همسری و مادری خدیجه (س) همسو با گزاره های قرآنی در ضرورت تبادل مودت و رحمت میان همسران و جایگاه والای مادران است. مضاف آن که در ارتباط با اشاره به مادر مکان بودن این ازدواج نیز مخالفتی در متن قرآن دیده نشد. این در حالی است که تاکید نگارندگان بر رویکرد مادر سالار در روابط خدیجه (س) با همسر به دلیل قدرت و نفوذ اجتماعی و اقتصادی بالای خدیجه (س)، با رویکرد عدالت محور در روابط همسران مبتنی بر مودت و رحمت در قرآن و نیز کنشگری شخصیت های زن قرآن که در جدول ۲ ارائه شد، همسو نمی نماید.

۳-۲- کنشگری در امور اجتماعی

کنشگری فرهنگی - اجتماعی خدیجه از نگاه نویسندگان به قدری غالب است که رویکرد مادرسالار را برای او در ارتباط با حضرت محمد(ص) ترسیم نموده اند. به دیگر بیان، در نگرش ایشان موقعیت و طبقه فردی مثل خدیجه(س) در اجتماع است که به او در ارتباط با دیگران قدرت می بخشد. ایشان با استناد به ادعای سیمون دوبوار: "زن به دنیا نمی آید، بلکه زن می شود" (P:267, 1989, De Beauvoir). مردانگی را نیز محصول اجتماعی شدن می دانند. ایشان سپس نتیجه می گیرند که مردانگی یک دسته بندی ثابت و بی زمان نیست و همان طور که مردانگی با بافت زمینه ای تغییر می کند، ساختارهای هژمونیک و به تبع آن، زیردست نیز تغییر می کنند. آن گاه تفسیرهای خاصی از دین را حامی مردسالاری دانسته که تفکر پسران را از سنین پایین به جنسیت تحت تأثیر خود قرار داده است. سپس بر این امر تأکید ورزیده اند که در مقابل این نگرش مردسالار، دین می تواند مردانگی را به یک عملکرد برابری محور از نو تدوین کند. نویسندگان علی رغم تأکید بر رویکرد برابر محور زن و مرد در قرآن، پا را فراتر نهاده و از خدیجه در رابطه با حضرت محمد(ص) به شریک قدرتمندتر تعبیر می کنند: «ما مدعی نیستیم که رابطه محمد و خدیجه برابری طلبانه بوده است. چنین نبوده است. خدیجه به طور قطع، شریک قدرتمندتر در این رابطه عمودی بود و محمد از بسیاری جهات به او وابسته بود. در مثال آن ها، ما با یک رابطه غیر پدرسالار و در واقع به شدت مادرسالار در قدرت روبرو هستیم.» برجسته سازی جایگاه زنان برگرفته از نگاه اسلامی در آثار خاورشناسان معاصر تعدد یافته است. از این منظر با نگاهی مادرسالارانه، زنان حاملان اصلی وعده و تحقق الهی معرفی می شوند. به عنوان مثال چلیک در «از مریم تا مریم: یک نسب مسیحایی در قرآن» بر این باور است که آیات ۳۳ تا ۳۵ سوره آل عمران در حقیقت به خانواده ی عمران، یعنی پدر موسی و هارون و همسر او یوکابد مربوط می شود. یوکابد در بندگی و اسارت بنی اسرائیل، از خداوند فرزندی آزاد و رهایی بخش می طلبد، اما خداوند در پاسخ نخستین، مریم را به او عطا می کند و وعده ی تحقق کامل این دعا را در نسل بعد، یعنی با تولد مریم، محقق می سازد. به این ترتیب بر نقش مادر به عنوان واسطه دریافت وحی و نقطه آغاز تحقق وعده الهی تأکید ویژه ای می شود (Çelik, ۲۰۲۲, p:33-35). نوییورث در مقاله «مریم و عیسی، متعادل کننده ی پدرسالاری کتاب مقدس» و «تصویر مریم در حال مجادله با عیسی» نیز بر همین اساس استدلال می کنند که خطاب خواهر هارون در پایان داستان مریم در سوره مریم در واقع بازتابی از همان توازی با مریم است. این امر نه تنها ارتباطی میان سرگذشت موسی(ع) و هارون(ع) با مریم و عیسی(ع) برقرار می سازد، بلکه جایگاه مریم را به عنوان نمادی الهیاتی برجسته می کند؛ چنانکه او را هم سنگ معبد اورشلیم و کارکرد آیینی آن بر می شمرد (Neuwirth, ۲۰۰۵, p: ۲۶۰-۲۳۱; ۲۰۰۹, p:383-416).

رحمت الله و ابابنه خدیجه را به سبب کنشگری هایی که داشته، صاحب سرمایه ای اجتماعی افزون بر سرمایه عظیم مادی می دانند و بر این باور هستند که جایگاه طبقاتی را نمی توان فقط به ابعاد مالی و اقتصادی تقلیل داد. سرمایه اجتماعی (داشتن احترام، باارزش و مهم در نظر گرفته شدن، دسترسی به حلقه ها و فضاهای خاص داشتن) بخش مهمی از امتیاز طبقاتی است و این همان چیزی است که خدیجه برای دفاع از دین خود فدا کرده است. مضاف آن که تغییر از یک زندگی راحت و لذت بخش پیش از ازدواج به شرایط خطرناک مواجهه با آزار و هجمه های دشمنان اسلام سبب شد تمامی مگر تعداد انگشت شماری از دوستان او (خدیجه) را فریب خورده انگارند» (Kahn, 2010, p:25-42) نیز نمی توانست آسان باشد.

جدول ۳ - کنشگری فرهنگی - اجتماعی خدیجه (س) از منظر رحمت الله و ابابنه

نقش حمایتگری در جامعه افزون بر حضور و فعالیت اجتماعی
رویکرد فرهنگی مادرسالار در روابط با همسر و دیگران به دلیل قدرت و نفوذ اجتماعی
سرمایه اجتماعی (داشتن احترام، باارزش و مهم در نظر گرفته شدن)
دسترسی به حلقه ها و فضاهای خاص اجتماعی داشتن (نفوذ اجتماعی)
تغییر از یک زندگی اجتماعی راحت و در اوج احترام به «فریب خورده شناخته شدن توسط تمامی مگر تعداد انگشت شماری از دوستان»

۳-۲-۱- بررسی قرآنی

عاملیت اجتماعی زنان در آیات قرآن به اشکال مختلف مورد توجه قرار گرفته است. شخصیت مریم در قرآن ضمن این که واجد ویژگی های عالی اعتقادی، اخلاقی و عبادی است، امر به حضور در جمع نمازگزارانی می شود که تا کنون زنی را در جمع خود ندیده اند: «... ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران/۴۳) مفسران مراد از رکوع مریم با رکوع کنندگان را امر به متابعت سایرین در عبادت و یا نماز جماعت دانسته اند (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۷۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۴۳؛ صادقی تهرانی، محمد، ج ۵: ۱۳۲؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۲۲). از این رو، حضور زن در اجتماعات عبادی و اجتماعی که مردان نیز حضور دارند، سفارش شده به شرط آن که زنان، مریم گونه رفتار نمایند (قرائتی،

۱۳۸۸، ج ۱: ۵۱۱). سوژگی اجتماعی مریم با حضور او در میان مردم و دعوت به سکوت تجلی یافته است: «... إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» (مریم/۲۶) سوژگی اجتماعی مریم اینجا با نوعی مواجهه نرم با جماعت بروزمی یابد که می توان از آن به کنشگری خاموش اجتماعی تعبیر نمود. دختران شعیب نیز حضور فعال اجتماعی خویش را علی رغم موانعی که برای زنان وجود داشت تثبیت نمودند. در بخشی از داستان به شرایط نامساعد برای آب دادن به دام ها به دلیل فضای مردانه اطراف چاه آب اشاره شده است و این که دختران تسلیم نمی شوند و صبر می کنند تا این امکان برای ایشان فراهم شود: «...قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ...» (قصص/۲۳). بر این اساس حضور فعال اجتماعی زنان به اشکال مختلف در قرآن مطرح شده است.

جدول ۴- کنشگری فرهنگی- اجتماعی زنان در قرآن

حضور و فعالیت موثر در اجتماع با رعایت عفاف و پاکدامنی
مواجهه نرم و خاموش با جامعه (حضور در اجتماع و کنشگری همراه با سکوت در برابر هجمه های مخالفان)
عدم تسلیم در برابر موانع و ناسازگاری های جامعه با کنشگری فعالانه

رحمت الله و ابابنه، خدیجه(س) را عنصری پویا و فعال و حمایتگر در عرصه اجتماع و مواجهه او با هجمه های مخالفان و مصائب فراوان را ستودند. کنش های مذکور با عاملیت شخصیت هایی مثل مریم(س) و دختران شعیب(ع) که در جدول ۴ مشهود است، همسو می نماید. در مقابل، رویکرد مادر سالار در روابط با همسر به دلیل قدرت و نفوذ اجتماعی و اقتصادی بالای خدیجه(س) رویکردی منفی و با کنشگری عدالت ورز و مودت محور همسران در قرآن که در جدول ۲ ارائه شد، ناهمسو است.

۳-۳- کنشگری در امور اعتقادی

رحمت الله و ابابنه به کنشگری خدیجه(س) در تسلی دادن حضرت محمد(ص) هنگام اولین نزولات وحیانی اشاره می کنند: «ابن اسحاق نقل می کند که خدیجه، پس از شنیدن آنچه پیامبر در غار حرا تجربه کرده بود، اظهار کرد: «به خوشی، ای پسرعموی من، شاد باش! به راستی، سوگند به او که جان خدیجه در دستان اوست، من امیدوار بودم که تو پیامبر این مردم باشی» (P:107,1967, Ibn Ishāq). ایشان سپس به دیدار خدیجه با پسرعمویش ورقه بن نوفل که مسیحی بود و قبلاً کتاب مقدس را خوانده بود، رفت. در این ملاقات، خدیجه با ورقه مشورت کرده و او بلافاصله نبوت آن حضرت را تایید کرده است. (P:68,1988, Al-Ṭabarī) ؛ (P:279,1998, Ibn Kathīr). نویسندگان

کنشگری دیگر خدیجه را در حین اولین وحی ها، استدلال خدیجه (س) برای اطمینان دادن به آن حضرت که او یک پیامبر واقعی است، دانسته اند» (P:107,1967,Ibn Ishāq). ایشان سپس بر این امر تاکید می کنند که خدیجه (س) توسط همه مسلمانان، به عنوان اولین مسلمان، اولین کسی که به پیامبری حضرت محمد (ص) ایمان آورد، مورد تجلیل همگان قرار گرفته است (P:47, 1983,Lings). نگارندگان برای تجلیل از سوژگی اعتقادی خدیجه (س) به متونی روایی استناد می کنند که موقعیت ممتاز خدیجه را به عنوان یک مومن تقدیس می کنند: «در مجموعه حدیث های صحیح بخاری و صحیح مسلم، گزارش هایی داریم که در آن به خدیجه (س) وعده قصری در بهشت داده شده است. در واقع، در سنت هایی در تفسیر (تفسیر قرآن) و قصص الانبیاء، خدیجه (س) به عنوان یکی از چهار زن برتر جهان، در کنار فاطمه دخترش، مریم مادر عیسی و آسیه همسر فرعون، ستایش شده است (p:80-81,2003, Stowasser).

جدول ۵- کنشگری اعتقادی خدیجه (س) از منظر رحمت الله و ابابنه

اعتقاد به رسالت نبوی پیامبر (ص) و اولین فرد ایمان آورنده به دعوت آن حضرت
تسلی دادن به پیامبر (ص) و استدلال کردن برای آن حضرت درباره صحت وحی الهی و فرشته بودن جبرئیل
تایید گرفتن از ورقه بن نوفل (مسیحی) برای اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) و اطمینان دادن به آن حضرت درباره وحی و رسالت خویش
یکی از چهار زن برتر جهان در ایمان و وعده اعطای قصری در بهشت به او

۳-۳-۱- بررسی قرآنی

عاملیت اعتقادی در قرآن برای شخصیت هایی مانند مریم (س)، آسیه (س)، مادر موسی (ع) مطرح شده است. مریم (س) و آسیه (س) دو شخصیتی هستند که قرآن از ایشان به الگوی ایمان برای تمام زنان و مردان تعبیر کرده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...» (تحریم/۱۱ و ۱۲) آسیه شخصیتی است که در نهایت با شکنجه و شهادت، فاعلیت ایمانی خود را به ظهور می رساند. عاملیت اعتقادی برای شخصیت الگوی قرآنی دیگر مریم (س) نیز با عنایت به آیه: «... كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران/۳۷) قابل توجه است. مطابق این آیه، مریم در رتبه ای بالاتر از یک پیامبر الهی قرار گرفته و گیرنده رزق الهی شده است. نمونه ای دیگر از عاملیت اعتقادی زنان در

قرآن، مادر موسی(ع) است که وصف کنشگری او نسبت به ساختار خانواده پیشتر ارایه شد. عاملیت اعتقادی مادر موسی(ع) آنجا که به پیام خداوند و ندایی که با عمق جاننش درک کرده بود، لبیک می گوید و در دو راهی اجابت پیام پروردگار مبنی بر انداختن فرزند در دریا و پاسخ به احساسات مادرانه مبنی بر حفظ فرزند در آغوش و دامان خویش قرار گرفته و سوژگی مادرانه خود را با ایمان راسخ و باور به پروردگار هستی به ظهور می رساند. از دیگر نمونه های کنشگری اعتقادی زنان در قرآن می توان به رفتار عقیفانه دختران شعیب در مواجهه با شخصیت مرد داستان که حضرت موسی(ع) بوده است، اشاره کرد: « فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ » (قصص/۲۵) هر چند انسان ها فطرتا واجد ویژگی عفاف هستند، لکن در صورت نبود اعتقاد قوی به مبدأ هستی، انحراف و غفلت از این ودیعه الهی محتمل است. لذا عفاف دختران شعیب را نیز می توان نمونه ای از عاملیت اعتقادی زنان در قرآن دانست.

جدول ۶- کنشگری زنان در اعتقادات

امکان نیل به درجات بالای ایمانی و اعتقادی برای زنان
الگوسازی از زنان در ایمان و کفر برای همه زنان و مردان
گزینش ایمان بر شرک تا پای جان
امکان کنشگری اعتقادی و عبادی جنس زن حتی بالاتر از پیامبری الهی(زکریا)
ترجیح ایمان و اعتماد به خدا بر عواطف مادری
رفتار عقیفانه (نشأت گرفته از اعتقاد به خداوند) در مقابل نامحرم

رویکرد مثبت نویسندگان در بازنمایی کنشگری اعتقادی خدیجه(س)، اعتقاد او به رسالت نبوی پیامبر(ص) است. که با کنشگری ایمان ورز مریم(س)، آسیه(س) همسو می نماید. در مقابل، با عنایت به: «ما کذب الفواد ما رای» (نجم/۱۱) قلب محمد(ص) آنچه را دید، تکذیب نکرد و نیازی به تایید و شناساندن آن توسط خدیجه(س) نبود. از امام صادق(ع) نیز این گونه نقل شده: «به درستی که خدا هر گاه بنده ای را به رسالت انتخاب می کند، آرامش و وقار خود را بر او فرو می فرستد؛ بدان گونه که هر چه از جانب خدای عز و جل بر او نازل گردد، همانند چیزی است که به چشم خود می بیند.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۱) چنان که پیداست، ناآگاهی پیامبر(ص) از وحی، با مبانی قرآنی- عقلی و روایی نیز سازگار نیست.

۳- ۴- کنشگری در امور سیاسی

سخن از کنشگری سیاسی خدیجه(س) در آثار رحمت الله و ابابنه به ندرت و تنها در قالب اشاره هایی مشاهده می شود. ایشان معتقدند جایگاه طبقاتی را نمی توان فقط به ابعاد مالی و اقتصادی تقلیل داد، بلکه امور دیگری مانند دسترسی به حلقه ها و فضاهای خاص داشتن که بخش مهمی از امتیاز طبقاتی است و این همان چیزی است که خدیجه برای دین خود فدا کرده است. به دیگر بیان، نفوذ خدیجه به فضاها و حلقه های خاص او را صاحب قدرتی سیاسی برای پیشبرد اهداف دین کرده بود. همین قدرت سیاسی بود که در نگرش نویسندگان به خدیجه برای تجهیز اقتصادی و حمایت مسلمانانی که تحت سلطه بودند و به حبشه گریخته بودند، کمک کرد. تجهیز کاروان ها توسط خدیجه علاوه بر بشردوستانه بودن، مبارزه ای معکوس با حاکمان و اشراف قریش بود. ایشان سپس به همراهی خدیجه با پیامبر(ص) در تحریم مکه با وجود مصائب فراوان و جان باختن او در این راه اشاره کرده و چنین آورده اند: «حد/قل در کلام. درواقع ممکن است تحریم مکه علاوه بر ایجاد مشکلات اقتصادی و اجتماعی برای خدیجه، به طرز مهلکی به او آسیب جدی وارد کرده و به سلامت جسمانی و رفاه او در سنین پیری زیان رسانده باشد» (P:122,1990, Kahn Razwy, 2010, p:25-42). توجه داشته باشید، با این وجود، خدیجه (همراه با عموی محبوب پیامبر، ابوطالب) در پایان تحریم مکه در سال ۶۱۹ درگذشت، به همین دلیل آن سال به سال اندوه (عام الحزن) معروف است.»

جدول ۷- کنشگری سیاسی خدیجه(س) از منظر رحمت الله و ابابنه

دسترسی به حلقه ها و فضاهای خاص داشتن که نفوذ سیاسی ایشان را به عنوان همسر حاکم جامعه اسلامی قوت می بخشید.
همراهی با پیامبر(ص) در تحریم مکه با وجود مصائب فراوان و جان باختن در این راه حمایت از مسلمانانی که از شدت فشارهای حاکمان و اشراف به حبشه گریخته بودند

۳- ۴- ۱- بررسی قرآنی

کنشگری سیاسی زنان در قرآن، در قالب حکمرانی که بالاترین منصب سیاسی است، به تصویر کشیده شده است. در بخشی از قصه سلیمان نبی آمده است: هدهد نزد سلیمان از شکوه حکمرانی زنی حکایت می کند: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ»: ضمیر در «تملکهم» به اهل سبا و توابع آن بر می گردد و جمله: «وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» وصف وسعت مملکت و عظمت سلطنت آن زن است و همین خود قرینه است بر این که منظور از «کل شیء» در آیه هر چیزی است که سلطنت عظیم محتاج به داشتن آنها است (طباطبائی، ۱۳۳۴، ج ۱۵: ۵۰۶). قرآن زن را در هیئت ملکه سبا چنان انسانی به نمایش می گذارد که بر عقل خویش مسلط است و تحت تاثیر عاطفه اش

قرار نمی گیرد، زیرا مسئولیتش به او امکان پربار کردن تجربه و تقویت عقلش و غلبه بر احساساتش را داده است، تا بدان پایه که بر مردانی فرمان می راند که در وجود او شخصیت عاقل و توانمند بر اداره امور خود دیده اند (فضل اله، ۱۴۱۹: ۴۵۸). از دیگر نمونه های عاملیت سیاسی زنان شخصیت آسیه است که در آیه: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» ۶ (تحریم/ ۱۱) تکریم شده است. در روزگار پادشاهی فرعون که ملکه (همسر پادشاه) از مقامات سیاسی عصر خویش محسوب می شد، آسیه را بایست از شخصیت های تراز اول دربار فرعون برشمرد که به عنوان ملکه در آن عصر سوژگی سیاسی - اجتماعی نیز داشته است. وقتی آسیه به خدای یکتا ایمان می آورد، یعنی شخصیت سیاسی ملکه، نظام حاکم را که بر پایه طاغوت بنا شده بود، به چالش کشیده است. عاملیت سیاسی زنان در قالب بیعت با پیامبر (ص) به عنوان حاکم جامعه اسلامی در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ... فَبَايِعْهُنَّ» (ممتحنه/ ۱۲) می فرماید: «ای پیامبر! هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند ...، پس با آنان بیعت کن» در شأن نزول این آیه آورده اند: «هنگامی که رسول خدا (ص) مکه را فتح کردند، زنان آمدند و با او بیعت کردند. سپس این آیه نازل شد و شروطی را برایشان قرار داد.» در منابع شیعی کیفیت این بیعت را علاوه بر کلام با قدحی از آب بیان نمودند (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۵۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۰۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۳: ۲۱۳؛ جزایری، ۱۳۸۸، ج ۵: ۱۱۳). بر این پایه زن از منظر اسلام، موجودی مستقل، با اراده، انتخابگر و شخصیت مستقل و تأثیرگذار حتی در حوزه سیاست و حکمرانی است.

جدول ۸- کنشگری زنان در سیاست

امکان حکمرانی موفق زنان مانند حکمرانی ملکه سبا
الگوسازی مبارزه زنان با طاغوت و ظلم در قالب ملکه (شخصیت دوم کشور)
مشارکت تمامی زنان در بیعت با پیامبر یا رهبر جامعه اسلامی

کنشگری سیاسی خدیجه (س) در آرای نگارندگان بسیار اندک بوده و عدم توجه به این نوع سوژگی محل تامل است لکن اشاراتی که به مواردی مانند دسترسی خدیجه (س) به حلقه ها و فضاهاى خاص (طبقات خاص اجتماعی) و حمایت

۶ «و برای کسانی که ایمان آورده اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده، آن گاه که گفت: «پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز.»

از مسلمانان در مقابل قدرتمندان جامعه و نیز همراهی خاموش و آرام با پیامبر(ص) در هنگام تحریم مکه با عاملیت شخصیت هایی مانند مریم، ملکه سبا و آسیه همسو است.

۳-۵ - کنشگری در امور اقتصادی

کنشگری اقتصادی خدیجه(س) همان گونه که در منابع گوناگون مورد توجه قرار گرفته، در آرای رحمت الله و ابابنه نیز مشهود است: «منابع سیره ای اولیه نشان می دهد که خدیجه فرد تاجر قدرتمند و محترمی بود. خدیجه کارفرمای محمد بود و او را برای رهبری کاروان تجاری خود به سوریه اعزام می کرد (Ibn Ishāq, 1967, P:82). بر اساس یک گزارش یافت شده در زندگینامه ابن سعد کاروان خدیجه برابر با کاروان قبیله قریش بود. (Ibn Sa'd, ۱۹۹۵, P: 10)». نویسندگان چگونگی پیدایش این ثروت را بر اساس دیدگاه دانشمندان معاصر این گونه شرح داده اند که او کسب و کار تجاری را از پدرش خویلد بن اسد به ارث برده و سپس با استفاده از مهارت های کارآفرینی خود، کسب و کار را به طور قابل توجهی گسترش داده است. (Ali, 2008, pp. 53-63), (Razwy, 1990, P:6-8). ایشان خدیجه را نه تنها یک منبع حیاتی از حمایت عاطفی دانسته اند، بلکه حمایت اقتصادی او نیز در طول تاریخ اولیه اسلام تا زمان فوتش در سال ۶۱۹، حائز اهمیت است. سپس بر این امر تاکید ورزیده اند که خدیجه در این زمینه نقش کلیدی ای را با فراهم کردن غذا، پناهگاه و کمک مالی، به ویژه زمانی که قریش نیروی کار مسلمان را تحریم کرد تا پیام توحیدی محمد را سرکوب کند، ایفا کرد (Razwy, 1990, P:130-131). ایشان همچنین به حمایت مالی مسلمانانی که به حبشه هجرت کردند، اشاره کرده اند: «چه کسی کاروان هایشان را تجهیز کرد و هزینه هایشان را پرداخت کرد تا بتوانند سفر کنند؟ مورخان به این سوال پاسخ نداده اند. اما به احتمال زیاد خدیجه کاروان ها را تجهیز کرده و مهاجرت را تامین مالی کرده است» (ibid, P:138). نویسندگان به تجلیل از کنشگری اقتصادی خدیجه پرداخته و درباره فداکاری او در بذل مالش برای اسلام این گونه آورده اند: «ما همچنین به طور کامل از این حجم از فداکاری خدیجه برای اسلام قدردانی نکرده ایم؛ او فقط ثروتش را برای خدمت به دین استفاده نکرد؛ بلکه آنرا از دست داد. (Ahmed, 1992, P:48)».

جدول ۹- کنشگری اقتصادی خدیجه(س) از منظر رحمت الله و ابابنه

تاجر بسیار موفق و ثروتمند(کاروان تجاری او برابر با کاروان قریش بود)
کارآفرین شناخته شده در جامعه و کارفرمای حضرت محمد(ص)
حمایت اقتصادی از مسلمانان با فراهم کردن غذا، پناهگاه و کمک مالی، به ویژه در زمان تحریم مسلمانان توسط قریش
تجهیز و حمایت مالی کاروان های مسلمانان که به حبشه مهاجرت کردند.
فداکاری در بذل مال تا جایی که تمامی اموالش را در راه اسلام و حمایت از مسلمانان از دست داد.

۳-۵-۱- بررسی قرآنی

خداوند کنشگری اقتصادی و کسب مال توسط زنان را در قرآن به رسمیت شناخته است: «...لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء / ۳۲) نمونه بارز این کنشگری را می توان در داستان دختران شعیب مورد توجه قرار داد. دختران شعیب به دلیل کهنسال بودن و از کارافتادگی پدر، به تأمین معاش و کسب و کار پرداختند و مشاغلی را در آن دوره عهده دار شدند که جایگاهی برای زنان در آن ساختار اقتصادی وجود نداشت. این دو دختر به شغل چوپانی و کشاورزی مشغول بودند و از این طریق معاش خانواده را سامان می بخشیدند. نمونه ای دیگر از عاملیت اقتصادی زنان، ملکه سبا است که حکمران است و نه تنها در عالم سیاست نفر اول سرزمین خویش است، بلکه در ساختار اقتصاد نیز کنشگری او مطرح است: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل/ ۲۳) مفسران نیز به ثروت فراوان و ذخایر زیادی که تحت حکومت ملکه سبا و با مدیریت او به دست آمده و حفظ شده است، اشاره کرده اند: «منظور از «کل شیء» در آیه هر چیزی است که سلطنت عظیم محتاج به داشتن آنها است، مانند حزم و احتیاط و عزم و تصمیم راسخ و سطوت و شوکت و آب و خاک بسیار و خزینه سرشار و لشکر و ارتشی نیرومند و رعیتی فرمان بردار» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۳۵۵). بر این اساس می توان رویکرد قرآن در سوژگی زنان نسبت به ساختارهای اقتصادی را مثبت دانسته و بر آن صحنه گذاشت.

جدول ۱۰- کنشگری زنان در اقتصاد

به رسمیت شناختن اکتساب زنان برای خودشان (نه تأمین معاش خانواده)
تأمین معاش خانواده توسط دختران (جنس مونث) در هنگام ضرورت (بیماری پدر)
اشتغال دختران (جنس مونث) در مشاغلی مانند کشاورزی و چوپانی (مشاغل مهم و اصلی آن روزگار)
مشورت و پیشنهاد برای به کارگیری افراد در امور اقتصادی
مدیریت موفق اقتصادی زنان در سطح کلان (مانند ملکه سبا)

کنشگری خدیجه (س) در امور اقتصادی با ملکه سبا و دختران شعیب در قرآن همسو می نماید. در مقابل تاکید نگارندگان بر جایگاه ثروت او و تأمین معاش زندگی او با پیامبر (ص) صحیح نیست. باید در نظر داشت، ثروت وافر خدیجه (س) قدرت اقتصادی اسلام را تضمین نمود و نه معاش حضرت محمد (ص) را.

۴- تحلیل انتقادی دیدگاه رحمت الله و ابابنه درباره خدیجه (س)

آرای رحمت الله و ابابنه درباره شخصیت خدیجه (س) و کنشگری های ایشان در مواردی همسو با مولفه های کنشگری زنان در قرآن است و در برخی موارد غیر همسو یا متعارض. در این بخش آرای مذکور با تکیه بر رویکرد قرآن مورد واکاوی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۴- ۱- رویکردهای مثبت همسو با قرآن

رحمت الله و ابابنه، خدیجه (س) را عنصری پویا و فعال و حمایتگر در عرصه اجتماع معرفی نمودند. این رویکرد را می توان با توجه به جواز کنشگری اجتماعی فعال زنان در قرآن (با رعایت عفاف و پاکدامنی)، مثبت لحاظ نمود. تغییر از یک زندگی اجتماعی راحت و در اوج احترام به شرایط مواجهه با هیجده های مخالفان و مصائب فراوان از دیگر مولفه های کنشگری اجتماعی خدیجه (س) در آرای ایشان است که با مولفه عدم تسلیم در برابر موانع و ناسازگاری های جامعه با کنشگری فعالانه زنان در قرآن همسو می نماید. کنشگری خدیجه (س) در تعامل با رسول گرامی اسلام (ص) به قدری قوی توصیف شده که او را مبدل به همسر مورد علاقه پیامبر (ص) نموده است.

زنی که در جایگاه همسری با عشق ورزی، حس امنیت و آرامش را به پیامبر (ص) اعطا نموده و در مکانت مادری، تنها همسر فرزند آور نبی اکرم (ص) است. هر چند موارد مذکور همگی رویکردهای مثبت همسو با گزاره های قرآنی در ضرورت تبادل مودت و رحمت میان همسران و جایگاه والای مادران است، در شرح فرزندآوری خدیجه (س)،

می بایست نگارندگان با اشاره به شخصیت والای فرزند خدیجه(س)، حضرت زهرا(س) اوج سوژگی مادرانه او را نیز برای مخاطبان ترسیم می نمودند. رویکرد مثبت نویسندگان در بازنمایی کنشگری اعتقادی خدیجه(س)، اعتقاد او به رسالت نبوی پیامبر(ص) است. مضاف آن که از او به اولین فرد ایمان آورنده به دعوت آن حضرت تعبیر شده است. با عنایت به این که کنشگری اعتقادی زنان در قرآن بسیار مورد توجه قرار گرفته و تا حد الگوسازی از زنان در ایمان و کفر مطرح شده است، سوژگی اعتقادی خدیجه(س) را در ایمان به رسالت پیامبر(ص) باید همسو با قرآن تلقی نمود. کنشگری سیاسی خدیجه(س) در آرای رحمت الله و اباننه دسترسی او به حلقه ها و فضاهای خاص (طبقات خاص اجتماعی) است که نفوذ سیاسی ایشان را میان بزرگان قبایل به عنوان همسر حاکم جامعه اسلامی قوت می بخشید. این نوع کنشگری همسو با کنشگری ملکه سبأ است که در قرآن به عنوان رأس حکومت به ارکان و فضاهای خاص سلطنتی تسلط دارد و در مورد تعامل با سلیمان با ایشان مشورت نیز می نماید. از دیگر اشاراتی که در آرای نویسندگان به کنشگری خدیجه(س) شده، همراهی او با پیامبر(ص) در تحریم مکه با وجود مصائب فراوان و جان باختن ایشان در این راه است.

تحریم مکه قبل از این که آثار اقتصادی بر جای گذارد، امری سیاسی و تحمیلی است. کنشگری آرام و خاموش خدیجه در همراهی با پیامبر(ص) و تحمل مصائب فراوان در این مسیر همسو با الگویی از کنشگری زنانه در قرآن است که با سکوت و به دور از هیاهو امر اثبات نبوت پیامبری چون عیسی(ع) را برای مردم تثبیت می نماید. اینجا کنشگری خدیجه نه تنها در راستای تثبیت و حفظ جایگاه نبوت پیامبر(ص) حائز اهمیت است بلکه این عاملیت خاموش تا بذل جان او در راه مبارزه منفی با ظلم قدرتمندان جامعه پیش می رود و با نام گذاری آن سال به «عام الحزن» تاریخ ساز می شود. این تاریخ سازی با شهادت حضرت آسیه تحت ستم وحشیانه فرعون در قرآن نیز قابل قیاس است با این تفاوت که برای خدیجه(س) در همراهی و دفاع از همسر و رسالت نبوی او این کنشگری به اوج خود می رسد و برای آسیه(س) در راستای نفی ظلم و طاغوت همسر(فرعون) به ظهور و بروز رسیده است.

کنشگری اقتصادی خدیجه(س) در اثر رحمت الله و اباننه همان گونه که بین مسلمانان مشهور شده، بسیار زیاد و تأثیرگذار انعکاس یافته است. او تاجر بسیار موفق و ثروتمند(کاروان تجاری او برابر با کاروان قریش بود) و کارآفرین شناخته شده در جامعه و کارفرمای حضرت محمد(ص) بوده است. کنشگری او از منظر قدرت اقتصادی به ملکه سبأ در قرآن نزدیک است. هرچند گزارشی از بذل مال برای شخصیت آسیه(س) در قرآن نداریم، لکن چشم پوشی او از

ثروت و زیستن در قصر مجلل فرعون که پیشتر از نظر گذشت تا حدودی شباهت هایی را با شخصیت خدیجه(س) مطرح می نماید.

جدول ۱۱- رویکردهای همسو با قرآن در آرای رحمت الله و ابابنه

نقش حمایتگری در جامعه افزون بر حضور و فعالیت اجتماعی
تغییر از یک زندگی اجتماعی راحت و در اوج احترام به شرایط مواجهه با هجمه های مخالفان و مصائب فراوان
همسر مورد علاقه پیامبر(ص) در میان سایر همسران آن حضرت
اعطای حس امنیت به همسر و جلوگیری از آسیب هایی که آن حضرت را تهدید می کرد
توانایی فرزندآوری(تنها همسر پیامبر(ص) که فرزنداناش زنده ماندند)
عشق ورزی و آرامش بخشی(تبادل محبت و صمیمیت و آرامش در دوره اولین وحی های پیامبر(ص))
اعتقاد به رسالت نبوی پیامبر(ص) و اولین فرد ایمان آورنده به دعوت آن حضرت
دسترسی به حلقه ها و فضاهای خاص داشتن که نفوذ سیاسی ایشان را به عنوان همسر حاکم جامعه اسلامی قوت می بخشید.
همراهی با پیامبر(ص) در تحریم مکه با وجود مصائب فراوان و جان باختن در این راه
تاجر بسیار موفق و ثروتمند(کاروان تجاری او برابر با کاروان قریش بود)
کارآفرین شناخته شده در جامعه و کارفرمای حضرت محمد(ص)
حمایت اقتصادی از مسلمانان با فراهم کردن غذا، پناهگاه و کمک مالی، به ویژه در زمان تحریم مسلمانان توسط قریش
تجهیز و حمایت مالی کاروان های مسلمانان که به حبشه مهاجرت کردند
فداکاری در بذل مال تا جایی که تمامی اموالش را در راه اسلام و حمایت از مسلمانان از دست داد

۴-۲ - سایر رویکردهای مثبت

متن قرآن نسبت به پیشنهاد ازدواج از سوی زنان مانند پیشنهاد خدیجه(س) به پیامبر و مورد قبول واقع شدن این پیشنهاد از سوی آن حضرت سکوت نموده است. با توجه به شخصیت ممتاز خدیجه(س) و اعتماد و شناختی که از ویژگی های حضرت محمد(ص) داشته است و نیز تأکید نویسندگان بر این که چنین پیشنهادی با واسطه از سوی خدیجه(س) صورت گرفته است، این کنشگری خدیجه(س) را می توان رویکرد مثبت نویسندگان به شخصیت خدیجه(س) ارزیابی نمود که مخالفتی با آن در متن قرآن مشاهده نمی شود. این امر در رابطه با اشاره به مادر مکان بودن ازدواج و ثروتی که حمایتگر همسر در راه ترویج و تبلیغ دین خدا بود، نیز صدق می کند. هر چند فراهم آوردن مسکن از

وظایف شوهر در قوانین اسلام محسوب می شود و قرآن نیز در قالب قوامیت در آیه ۳۴ سوره نساء به آن اشاره کرده است، نمی توان مخالفتی در بخشش مال از سوی زن به شوهر و یا خرج کردن اموال برای خانواده یا اهداف اجتماعی- فرهنگی مشترک با همسر در متن قرآن یافت. هر چند قوامیت در مفهوم سرپرستی مالی برای مردان قانونی عام تلقی می شود، وجود موارد استثناء خللی به این قانون عام وارد نمی سازد. به عبارتی دیگر، مبنای قوانین حقوقی مصالح اکثریت جامعه است (احمدی، ۱۳۹۱ش، ص ۳۹). با توجه به اهداف بزرگ رسالت آن حضرت، بذل مال از سوی خدیجه (س) و صرف امکانات برای پیشبرد اهداف پیامبرخاتم می تواند از موارد استثناء برای قانون عام قوامیت محسوب شود. اشاره به روایت هایی که خدیجه (س) را یکی از چهار زن برتر جهان در ایمان و وعده اعطای قصری در بهشت به او می داند، نیز از دیگر رویکردهای مثبت نویسندگان است که در متن قرآن مشاهده نمی شود.

جدول ۱۲- سایر رویکردهای مثبت در آرای رحمت الله و ابابنه

پیشنهاد ازدواج به پیامبر (با وجود سن بالاتر و بیوه بودن) و مورد قبول واقع شدن این پیشنهاد از سوی آن حضرت
اشاره به مادر مکان بودن ازدواج و ثروتی که حمایتگر همسر بود.
یکی از چهار زن برتر جهان در ایمان و وعده اعطای قصری در بهشت به او

۴-۳- رویکردهای ناهمسو با قرآن

رویکرد مادر سالار در روابط با همسر به دلیل قدرت و نفوذ اجتماعی و اقتصادی بالای خدیجه (س) یکی از اصلی ترین مولفه های کنشگری او از منظر رحمت الله و ابابنه محسوب می شود. ایشان خدیجه را شریک قدرتمندتر در روابط زناشویی دانسته اند و وابستگی پیامبر (ص) به او را نتیجه گرفته اند. با توجه به رفتار احترام آمیز، عشق ورزی و صمیمیتی که نویسندگان مذکور نیز در روابط خدیجه (س) با حضرت محمد (ص) مورد تأکید قرار دادند نمی توان رویکرد فرهنگی حاکم بر این روابط را مادر سالار یا پدر سالار نامید. در حقیقت الگوی روابط این زوج پاک، از نوعی روابط متقابل و عدالت محور میان ایشان حکایت می کند. پیامبر (ص) در حالی که می توانست از اموال خدیجه (س) در جهت رفاه و آسایش خود بهره گیرد، همواره خود را هم سطح فقیران جامعه نگه داشت و زندگی وی با پیش از

ازدواج تفاوتی نداشت (ابن سعد، ج ۱: ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۱۴، ۳۴۷). بر این اساس، می توان گفت ثروت وافر خدیجه (س) قدرت اقتصادی اسلام را تضمین نمود و نه معاش حضرت محمد (ص) را.

از دیگر رویکردهای نویسندگان درباره خدیجه (س) که محل تأمل است، کنشگری پررنگ او در اجرای اولین وحی هایی است که به قلب مبارک پیامبر (ص) نازل می گشت. هرچند نقش خدیجه (س) در القای حس آرامش بعد از هیجان هایی که طبیعتاً با دریافت وحی حاصل می شد، بی بدیل و غیر قابل کتمان است، دخالت داشتن او در شناساندن فرشته وحی به آن حضرت و تأیید وحی بودن آنچه اتفاق افتاده را نمی توان در حیطه کنشگری او یا هر انسان دیگری غیر از رسول گرامی اسلام (ص) دانست. مکانیزم وحی شامل ارتباطی عمودی از جانب خدا با شخص دریافت کننده (قابل وحی) است و در مرحله بعد، این شخص پیامبر است که باید محتوا را به صورت افقی به انسان های دیگر ابلاغ کند. در مرحله اول این رسول است که باید بداند به او وحی شده و منشأ وحی را خود، بشناسد، تا بتواند آن را به سایرین ابلاغ کند. این در حالی است که رحمت الله و ابانته تسلی دادن به پیامبر (ص) و استدلال کردن برای آن حضرت درباره صحت وحی الهی و فرشته بودن جبرئیل را کنشگری موفق خدیجه در برطرف کردن شک آن حضرت می دانند. نویسندگان مذکور، خود به دیدگاه هایی اشاره می کنند که هدف خدیجه (س) از استدلال کردن برای صحت وحی الهی را برطرف کردن شک خودش می دانند: «در حالی که در طبری: (P:73,1988, Al-Tabarī) روشن است که خدیجه کسی است که شک محمد را برطرف می کند (که یک نتیجه گیری شهودی است، اگر واضح نباشد)، ابن کثیر به نقل از بیهقی ادعا می کند که خدیجه کل این تبادل را برای برطرف کردن شک های خودش درباره پیامبری محمد برپا کرده است: (P:297-298,1988, Al-Tabarī) باید نظر داشت هیجان حضرت محمد (ص) برای دریافت وحی با ترس و شک نسبت به اصل وحی متفاوت است. خداوند به رسولی وحی نمی کند مگر با دلایل روشن و نشانه های آشکار که خود دلالت دارد بر این که آن چه بر او وحی می شود، از جانب حق تعالی است و به چیز دیگری نیاز ندارد. لذا رسول هرگز ترسانده نمی شود و نمی هراسد و به خود نمی لرزد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۳۸۴) تایید گرفتن از ورقه بن نوفل (مسیحی) برای اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) و اطمینان دادن به آن حضرت درباره وحی و رسالت خویش نیز از همین مقوله است. وجود چنین داستانی محل مناقشه و تردید است و برخی پژوهش ها آن را به دلیل مخالفت با آیات، روایات، دلایل عقلی و تاریخی قابل پذیرش نمی دانند (رک. به: افراسیابی، ۱۴۰۰: ۲۸۶-۲۶۷). از دیگر سو، مورخان معتقدند که ورقه بن نوفل مسیحی بود و پس از بعثت به دین اسلام مشرف نشد. بنابراین چگونه ممکن است چنین شخصی، خود به دین اسلام ایمان نیاورده باشد ولی محمد (ص) را

پیامبر بدانند؟ (فروهی، ۱۳۹۶، ص ۴۷). افزون بر رویکردهای منفی فوق در آرای رحمت الله و ابابنه، مواردی چون کم توجهی به کنشگری سیاسی خدیجه به عنوان همسر حاکم جامعه اسلامی و بی توجهی به مصادر و روایات شیعی را نیز باید در نظر گرفت که در مواردی منجر به ارائه رویکردهای منفی از سوی نویسندگان شده است.

جدول ۱۳- رویکردهای منفی در آرای رحمت الله و ابابنه

رویکرد فرهنگی مادر سالار در روابط با همسر و دیگران به دلیل قدرت و نفوذ اجتماعی
شریک قدرتمندتر در روابط زناشویی و عدم وابستگی به همسر
تسلی دادن به پیامبر (ص) و استدلال کردن برای آن حضرت درباره صحت وحی الهی و فرشته بودن جبرئیل
تایید گرفتن از ورقه بن نوفل (مسیحی) برای اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) و اطمینان دادن به آن حضرت درباره وحی و رسالت خویش
غفلت از کنشگری سیاسی خدیجه (س)
کم توجهی به مصادر و روایات شیعی

۵- نتیجه

الگوی کنشگری زنانه در قرآن چند وجهی بوده و شامل عاملیت ایشان در حوزه های مختلف خانواده، جامعه و فرهنگ، اعتقادات، سیاست و اقتصاد می شود. رویکردهای مثبت رحمت الله و ابابنه در بازنمایی شخصیت خدیجه (س) که همسو با الگوی قرآنی کنشگری زنانه است، شامل موارد زیر می شود:

الف) حوزه خانواده: عشق ورزی و اعطای حس آرامش و امنیت به همسر؛ توانایی فرزندآوری خدیجه در میان سایر همسران پیامبر (ص)

ب) حوزه جامعه و فرهنگ: نقش حمایتگری در جامعه؛ موفقیت در تغییر از سبک زندگی اجتماعی راحت و مورد احترام به شرایط مواجهه با انواع مصائب و هجمه های اجتماعی از سوی اشراف و بزرگان قریش

ج) حوزه اعتقادات: اولین فرد ایمان آورنده به رسول اکرم (ص) و پایداری در این اعتقاد تا اعطای جان و بذل تمامی اموال

د) حوزه سیاست: دسترسی به حلقه ها و فضاها خاص سیاسی و قدرتمند جامعه؛ حمایت از مسلمانان در هجرت به حبشه؛ همراهی با پیامبر (ص) در تحریم مکه با وجود مصائب فراوان و جان باختن در این راه

ه) حوزه اقتصاد: تاجر بسیار موفق و کار آفرین شناخته شده در جامعه؛ حمایت اقتصادی از مسلمانان و تجهیز کاروان هایی که مهاجرت می کردند؛ فداکاری در بذل مال تا جایی که تمامی اموالش را در راه اسلام و حمایت از مسلمانان از دست داد.

کنشگری های مثبت دیگری نیز برای خدیجه (س) از سوی نگارندگان مشاهده می شود که مخالفتی با آن در قرآن یافت نشد. مانند: ارائه پیش نهاد ازدواج از سوی خدیجه (س) و پذیرش آن از سوی پیامبر (ص)؛ مادر مکان بودن ازدواج و ثروتی که حمایتگر همسر بود؛ قرارگیری در زمره چهار زن برتر عالم (از منظر درجات ایمان).

رویکردهای منفی نویسندگان بیشتر در راستای اثبات مادر سالار بودن روابط خدیجه (س) با پیامبر (ص) است. ایشان صراحتاً خدیجه (س) را شریک قدرتمندتر در این ازدواج و حضرت محمد (ص) را شخصیتی وابسته به او می دانند. این رویکرد نگارندگان، نشأت گرفته از پیش فرض های فمینیستی ایشان و متعارض با الگوی کنشگری زنانه در قرآن است چنان که زوجیت، روابط همسری یا هر نوع رابطه انسانی دیگری در قرآن، به حیطة وحی الهی بر قلب پیامبر (ص) و ارتباط عمودی پیامبر با منبع وحی ورود نیافته است. از دیگر سو، ثروت خدیجه را بایست عاملی برای پیشبرد قدرت اسلام و حمایت از مسلمانان دانست؛ نه حمایتگر معاش و زندگی خصوصی رسول گرامی اسلام (ص). این ثروت، اهرم قدرت خدیجه (س) در زندگی مشترک نبوده، آن سان که نگارندگان تعبیر به مادر سالاری این رابطه کرده اند. در مقابل، دلایل تاریخی بر این امر اذعان دارند که ثروت خدیجه (س) هیچ تحولی در سطح مالی زندگی خانوادگی او با پیامبر (ص) ایجاد نکرد و تنها در راستای ترویج دین مبین اسلام و اهداف مرتبط با رسالت آن حضرت هزینه شد. در بسیاری از نقل های تاریخی که رحمت الله و ابابنه خود، در مواضع مختلف متن به آن اشاره کرده اند، دلیلی بر وجود رویکرد مادر سالار و پدر سالار در روابط خدیجه (س) و حضرت محمد (ص) یافت نشد. به نظر می رسد رویکرد اصلی در روابط ایشان، عدالت محوری و حفظ حقوق متقابل است.

منابع

قرآن کریم

ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰)، *طبقات الکبری*، تحقیق: عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن عطیه آندلسی، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۲۲.

ابوالفتوح رازی، جمال الدین، (۱۴۰۸) **تفسیر روح الجنان و روح الجنان**، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی.

احمدی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، **جنسیت از منظر دین و روانشناسی**، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی. افراسیابی، فاطمه، حسینی نیا، سیدمحمدرضا، (۱۴۰۰)، **واکاوی داستان ورقه بن نوفل مبنی بر رفع تکرانی از پیامبر(ص) در اثر دریافت وحی**، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین المللی تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، صص ۲۶۷-۲۸۶.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، (۱۴۱۵)، قم، موسسه البعثة قسم الدراسات الاسلامیه.

جزایری، نعمت الله بن عبدالله، (۱۳۸۸)، **عقودالمرجان فی تفسیر القرآن**، قم، نور وحی.

جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، **تفسیر کوثر**، قم، موسسه انتشارات هجرت.

سمرقندی، نصر بن محمد، **تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶.

صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶)، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه**، قم، فرهنگ اسلامی.

طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، **تفسیر مجمع البیان**، تصحیح: هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.

عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰)، **تفسیر عاملی**، تهران: کتابفروشی صدوق.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، تصحیح: هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان.

عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، **تفسیر عیاشی**، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعه العلمیه.

فروهی، آرمان، رازنهان، محمدحسن، عطاری، علیرضا، (۱۳۹۶)، **بررسی و نقد آراء مستشرقان درباره زندگانی**

حضرت خدیجه(س)، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۴۳.

فضل اله، محمدحسین، (۱۴۱۹)، **من وحی القرآن**، بیروت: دارالملاک.

قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، (۱۳۸۸)، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کریمی، شهناز، نوانبخش، مهرداد، (۱۳۹۸)، **واکاوی مفهوم سوژه در رویکردهای تحلیل گفتمان**، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ش ۱۱.

مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴)، **تفسیر الکاشف**، قم: موسسه دارالکتاب الاسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مبیدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، **کشف الاسرار و عده الابرار**، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم.

هال، دونالد، (۱۳۹۶)، **سوژگی**، ترجمه: هادی شاهی، تهران، پارسه.

یحیی بن سلام تیمی، (۱۴۲۵)، **تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی**، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون.

یورگنسن، ماریان، فیلیپس، لوئیز، (۱۳۹۳)، **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**، ترجمه: هادی جلیلی، تهران، نشر نی

Ababneh, S. (2025). The personal is political: Teaching decolonial connected feminist Middle East politics. *Dædalus, the Journal of the American Academy of Arts & Sciences*, 154(2).

Ahmed, Leila. 1992. *Women and Gender in Islam*. New Haven: Yale University Press .

Ali, Kecia. 2008. 'Khadijah'. The Oxford Encyclopaedia of Women in World History, edited by Bonnie G. Smith. Oxford: Oxford University Press.

Al-Ṭabarī, Abu Ja'far. 1988. The History of al-Ṭabarī, vol. 6, translated and annotated by W. Montgomery Watt and M. V. McDonald. Albany: State University of New York Press.

Çelik, Arjan (2022), "From Miriam to Mary: A Messianic Lineage in the Qur'ān," Academia.edu.

Davidoff, Leonore, and Catherine Hall (1987) *Family Fortunes: Men and Women of the English Middle Class* (London, Hutchinson).

De Beauvoir, Simone. 1989. *The Second Sex*. New York: Vintage Books.

Ibn Ishāq, Muhammad. 1955. The Life of Muhammad, translated by A. Guillaume. Oxford: Oxford University Press.

Ibn Kathīr, Isma'il. 2020. The Life of the Prophet Muhammad, vols 1 & 2, translated by Trevor Le Gassick. Reading: Garnet Publishing.

Ibn Sa'd, Muhammad. 1995. *The Women of Medina*, translated by Aisha Bewley. London: Ta-Ha Publishers.

Kahn, Tamam. 2013. *Untold: A History of the Wives of Prophet Muhammad*. Rhinebeck, NY: Monkfish Book Publishing Company (e-book).

Lings, Martin. 1983. *Muhammad: His Life Based on the Earliest Sources*. Cambridge, UK: Islamic Texts Society.

Neuwirth, Angelika (2005), "Mary and Jesus: Counterbalancing the Biblical Patriarchs - A Re-reading of Sūrat Maryam in Sūrat Āl 'Imrān," *Parole de l'Orient*, vol. 30.

Neuwirth, Angelika (2009), "Mary's Image in the Dispute with Jesus: Reading Sūrat Maryam and Related Meccan Texts in the Qur'an's Communicative Process," in *The Qur'an in Context*, ed. by Behnam Sadeghi et al., Berlin: De Gruyter

Rahemtulla, Shadaab, (2013), *Through the Eyes of Justice: A Comparative Study of Liberationist and Women's Readings of the Qur'an*, Publisher University of Oxford,

Rahemtulla, Shadaab, Ababneh, Sara .2021, "Reclaiming Khadija's and Muhammad's marriage as an Islamic paradigm: Toward a new history of the Muslim present", *Journal of Feminist Studies in Religion*, Oneworld Publications, 10 Bloomsbury Street, London WC1B 3SR, England

Razwy, Syed A. A. 1990. *Khadija-tul-Kubra (The Wife of the Prophet Muhammad): A Short Story of Her Life*. Elmhurst, NY: Tahrike Tarsile Qur'an.

Scott, Joan wallach, (1986), *Gender: A Useful Category of Historical Analysis*, *The American Historical Review*, Vol. 91, No. 5. (Dec., 1986)

Stowasser, Barbara F. 2003. 'Khadija'. In *Encyclopaedia of the Qur'ān*, vol. 3, edited by Jane D. McAuliffe. Leiden: Brill.